

پلنگ دره دیزاشکن



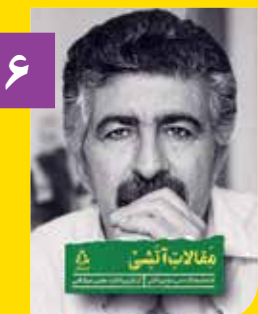
فرخ تمیمی از برجسته‌ترین شاعران معاصر بود و از دوستان صمیمی منوچهر آتشى. آتشى چند شعر هم برای فرخ تمیمی سروده است. تمیمی در کتاب «پلنگ دره دیزاشکن»، دین خود را به این شاعر بزرگ ادا کرده و در کتابی برجسته، داستان زندگی آتشى را از روستای دهرود بوشهر تا دوران معلمی و سپس چاپ نخستین مجموعه شعرش، با نثر دلنشینش روایت می‌کند...

شعر زمان ما



فیض شریفی در سری جدید «شعر زمان ما» به روش نویسنده پیشین با روش و دیدی علمی و مدرن، با واکاوی و جست‌وجوی برگ‌های ادبیات معاصر، ضمن تحلیل و نقد اشعار هر شاعر، به‌گزینی از سروده‌های اثرگذار شاعران پرداخته است. کتاب حاضر شامل دو بخش مقدمه و بدنه است که در بخش اول به سبک و زندگی‌نامه آتشى و بخش دوم به‌گزیده‌ای از آثار او پرداخته شده است...

مقالات آتشى



منوچهر آتشى در کنار شعر، یکی از منتقدان و پژوهش‌گران برجسته شعر معاصر بود که کتاب او درباره شاملو بحث‌های زیادی را در دهه هشتاد برانگیخت. او مقالات بسیاری در زمینه شعر و شاعری دارد که محسن میرکلاهی آنها را در همین کتاب گرد آورده و نشر افراز منتشر کرده است. کتاب حاضر دربردارنده مقالات و نقدهای ادبی منوچهر آتشى است که در سه بخش «درباره شعر و شاعری»، «نیما و همسایه‌های شعر معاصر از نگاه آتشى» و «درباره داستان و نمایشنامه» گرد هم آمده‌اند...



به‌طوری که جلوه‌های آوایی آثارش به مراتب تکرار می‌شود.

این شاعر محتواوندیش با انتشار هر مجموعه ساختاری را تجربه کرده است و با تصورات ذهنی متفاوت از قبل، عادت‌شکنی و هنجارشکنی کرده است. علاوه بر مسائل عام اجتماعی از مضامین اسطوره و تاریخی بهره می‌گیرد و به سمت آرکائیسیم ادبی می‌رود و به‌واسطه تک‌گویی ظرفیت‌های بدیعی را وارد ادبیات کرده است. به‌طور معمول با گزاره‌های متعارف به سمت واقعیت‌گرایی می‌رود، و در برابر آنچه هست، عصیان خود را به نمایش می‌گذارد:

دیر است نماینده‌ای / تا، شاید آمده باشی / آمده باشی / و این میز و صندلی‌ها را با خود به خانه ببری / و روبه‌روی کسی بنشیند که حرف‌های تو را و تو را خوب می‌فهمد / اما تو / هرگز او و حرف‌های او را نمی‌دانی / و این / همان داستان همیشگی است...

بیشتر آثار آتشى مضامین غنایی و اجتماعی را دربر گرفته است. تعارض‌های اجتماعی در لایه‌لای سطور پنهان است. هم‌چنان که طبیعت با مضامین خشم و عصیان، لحن حماسی و عناصر جنوبی همراه است.

به‌واسطه نمادگرایی از تک‌معنایی گریخته و در لایه‌های اشعار مضامین اجتماعی را پنهان کرده است. در این راستا ذهنیتش بر ساختارهای انتقادی-اجتماعی استوار است.

زبان شعرها در سه محور ایجاز‌مندی، استعاره‌گری و تقابلهای متناقض باز نمود دارد، که در این وضعیت ظرفیت‌های قابل‌تأویلی را به زیبایی‌شناسی اشعار افزوده است، با تقابلهای پارادوکسی به مسائل سیاسی، تاریخی و اجتماعی گریز می‌زند، سعی دارد خاطره‌های جمعی را بیان کند و با ادغام واقعیت در خیال و خیال در واقعیت به روایت‌گری می‌پردازد:

سپیده که سر بزند / نخستین روز روزهای بی‌مرا / آغاز خواهی کرد / مثل گل سرخ تنهایی / آه خواهی کشید / به پروانه‌ها خواهی اندیشید / و به شاخه سدری / که سایه نینداخته بر آستانه‌ات...

به‌واسطه نگاه تازه به فرم انگاره‌های هستی‌مند را بنیان نهاد. آن‌چنان که نوآوری هایش با خلاقیت و نوآوری‌های نیما در این دوره تفاوت اساسی دارد. در دوره دوم شاعری یعنی از دهه شصت به بعد، از تجربه‌های بومی‌سرایایی جنوب فاصله گرفت و اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار خود را به تصویر کشید و به‌واسطه ارزش‌های جامعه مفاهیمی تازه ارائه داد. من اجتماعی آتشى پیرامون رخدادهای اجتماعی است. در این برهه عینیت‌گرایی ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری مظاهر مدرن و زندگی شهرنشینی دارد.

همه جا می‌بینمت / به درخت و پرده و آینه / نمی‌دانم اما / تو مرا دنبال می‌کنی / یا من تو را / ای چشم شیرین زیبا / به گل‌ها می‌بینیم و می‌بینمت / به گل‌ها نشسته‌ای و می‌بینیم / بر آب می‌نگرم و می‌بینمت / در آب می‌لرزی و می‌بینیم / تو مرا جست‌وجو می‌کنی یا من تو را ای چشم شیرین دلربا / همه رویاهایم را نیلوفری کرده‌ای / و همه خیال‌هایم را به بوی شراب آغشته‌ای / همه جا / گرمای خانه و جان و جهان است حضورت / ولی چشم که باز می‌کنم / نمی‌بینمت دیگر / با آنکه می‌دانم / تو می‌بینیم همه جا / من شیدای توام / یا تو مرا گرفته‌ای به بازوی سودا / ای چشم شیرین بی‌پروا...

بیشتر منتقدان ادبی منوچهر آتشى را ماندگارترین شاعر شعر نیمایی دانسته‌اند؛ زیرا با رویکردهای اجتماعی و تاریخی حضوری فعال و تأثیرگذار در ادبیات داشته است و با ساختار تعارضی و انتقادی مخاطب را به جهان اندیشه‌ها سوق می‌دهد. وقتی موقعیت‌های ذهنی را عینیت‌مند (اوبژکتال) به تصویر می‌کشد، با رویکرد اجتماعی به هستی‌شناسی جهت می‌دهد. با تضاد بین «عینیت-ذهنیت» ساختار زبان را پی می‌ریزد و با لحن گزارش‌گونه برای به‌هم‌ریختن نظم وقایع تلاش می‌کند. رابطه بین کلمات در حوزه استعاری، آشنایی‌زدایی (غریبه‌سازی) در نرم زبان اتفاق افتاده است.

چه شکل‌های گوناگونی دارد عشق! / این آبشار بلند آویخته / طره رودابه اگر باشد / نهر خروشان کف‌آلود / زال تواند بود / - کام یافته - / که فرود آمده از بلند / به جانب خرگاه / در روشنای حس خود / هیچ چشمه نیست که شکل کسی نیست / هیچ نهر / بی‌ثمر / نمی‌رود به دره و دشت / تشنگانی به‌گردنه / تشنگانی به دامنه‌اند / و تشنگانی / به ساحل اقیانوس / طره رودابه اگر نباشد این آبشار / آن نهر / دست دراز ته‌میننه هست / به جانب کارزار / وان بن بن ستیر در تلاطم سیل / جنین رستم اگر نباشد / آن شقایق ارزان در برکه / زخم عمیق پهلوی سهراب هست / چه شکل‌های گوناگونی دارد عشق! / چه نام‌های رنگارنگی...

شعر آتشى ساختارمند است، شاعر با عینیت کردن تصاویر فضای ملموس را خلق می‌کند. هم‌چنان که آشنایی‌زدایی‌ها در جهت کشف و شهود است. به‌طور معمول شعر را در وضعیت می‌نویسد، به محتوا دقت مضاعف دارد اما ساختار و فرم شعر هم برایش مهم است. هم‌چنان که توازن آوایی و موسیقایی را رکن بنیانی می‌داند. با چینش کلمات موسیقی و ریتم درونی می‌سازد و با تکرار برخی واژه و عبارت‌ها در ایجاد موسیقایی (صدا و صوت) تلاش می‌کند.

این نوآوری و خلاقیت در زبان موسیقایی، سبب شده که دقت مضاعفی در واژه‌گزینی داشته باشد و موسیقی را با واج‌آرایی، تکرار حروف و چینش واژه‌ها در سطح زبانی نگه می‌دارد.



شعر آتشى در جهت عصیان و اعتراض انسان جنوبی است. در این جهت آثارش بار فرهنگی اجتماعی دارند. او بیشتر عناصر و نمادهای پیرامون را بازآفرینی کرده است. در ابتدا با توجه به زیبایی‌های طبیعت پیرامون ذهن و زبانش را پایه گذاشت. شعرهای بلند اسب سفید وحشی، عبدوی جط، میرمهنا سرشار از عصیان و طغیان است